



# باور به عامسانه

## تستی در فصلید طاقا

علوم انسانی و معانی  
مجمع علوم انسانی

## مقدمه

علم نجوم قدیمی ترین دانش بشری است. ویل دورانت ضرورت تعیین وقت دقیق را عامل پیدایش علم نجوم می‌داند و چنین می‌گوید: «شک نیست که علم نجوم از آن جا پیدا شده است که می‌خواستند زمان را از روی حرکات اجرام سماوی اندازه بگیرند. بشر مدت‌ها پیش از این که حساب خود را با گردش خورشید و سال نگه دارد، آن را با ماه نگه می‌داشته است.

هم‌اکنون نیز عید دیدنی فصیح مسیحیان از روی رصد ماه تنظیم می‌شود. مردم ساده‌دل پیش از آنکه به دانستن وقت صحیح علاقه‌مند باشند، مایل‌اند از آینده اطلاع پیدا کنند. به این ترتیب است که هزاران خرافه در مورد تأثیر نجوم بر اخلاق بشری در سرنوشت آن‌ها پیدا شده است.» (ویل دورانت، ۱۳۶۳: ۶۱ و ۶۰)

در قدیم، مردم با آسمان و ستارگان و صورت‌های فلکی و اعتقادات و باورهایشان زندگی می‌کردند و وضع ستارگان را در سرنوشت و وضع زندگانی خود مؤثر می‌دانستند. این اعتقادات ناشی از مجهول بودن رابطه علت و معلولی موجود بین پدیده‌های مختلف بود. «مردم قدیم در طی قرون متمادی از طریق مشاهدات و تجارب شخصی، تغییرات جوی، وقوع باد، زلزله، کسوف و خسوف، باران و... را پیش‌بینی کرده و برای هر یک حکمی صادر نموده‌اند و از این راه مجموعه‌ای از قوانین و احکام به وجود آمده است که مانند سایر اجزای فرهنگ عامه سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و امروزه به دست ما رسیده است. این عقاید به هر صورت جزو دانش عوام و فرهنگ عامه است و چون از عقل و حکمت عامیانه و ذوق و دقت توده مردم مایه گرفته‌اند، از لحاظ مردم‌شناسی شایان توجه هستند.» (شکوری‌زاده، ۱۳۶۲: ۱۷۰)

مردم در گذشته در بستری از باورهای عامیانه و غیرعلمی زندگی می‌کردند. جهل نسبت به ماهیت و علت اشیا و پدیده‌ها باعث به وجود آمدن تفکرات و باورهای نجومی شد.

منظور از باورهای نجومی، عقاید و باورهایی است که مردم در زمان‌های قدیم درباره ستارگان و اجرام سماوی و تأثیرات آن‌ها بر زندگی خویش و عناصر طبیعت داشته‌اند؛ مثل این باور که تابش نور خورشید باعث به وجود آمدن سنگ‌های قیمتی مثل لعل و یاقوت و عقیق می‌شود یا این تصور که نور ماه پارچه کتان را می‌پوساند.

## حشمت‌اله مهرابی

کارشناس ارشد زبان

و ادبیات فارسی

و دبیر ادبیات دبیرستان‌ها و

مدرس مراکز پیام نور پلدختر

## چکیده

اغلب شاعران با مردم رابطه‌ای صمیمی و عادی داشته‌اند و کوشیده‌اند تا با بهره‌گیری از باورهای آن‌ها به شعر خود صیغه دینی و ملی دهند. یکی از شاعرانی که در این مسیر گام‌های بلندی برداشته و موفق هم بوده، خاقانی است. وجود شمار زیادی از واژگان و اصطلاحات نجومی در اشعار او نشان می‌دهد که شاعر بر نجوم و احکام نجومی احاطه کافی داشته و با فرهنگ عامه و اعتقادات مردم آن روزگاران به خوبی مأنوس بوده است. اصطلاحات مربوط به اخترشناسی و نجوم به قدری با اشعار خاقانی آمیخته شده است که بدون شناخت آن‌ها نمی‌توان به زیبایی اشعار او پی برد.

بی‌گمان خاقانی بیش از هر شاعر دیگری از مضامین و باورهای نجومی سود برده و همین امر باعث شده است که اشعارش تا حدی پیچیده و مشکل به نظر آید. در این مقاله سعی شده است تمامی اشعار او که به نحوی با اعتقادات عامیانه درباره نجوم ارتباط دارند، به کمک منابع مختلف بررسی شود و شرح و توضیح لازم در مورد آن‌ها ارائه گردد. در این صورت، درک اشعار نجومی برای خوانندگان دیوان خاقانی آسان‌تر می‌شود و آن‌ها از مراجعه به منابع مختلف بی‌نیاز خواهند بود.

مهم‌ترین باورهای عامیانه نجومی دیوان خاقانی عبارت‌اند از: خورشید و لعل، ماه و کتان، سهیل و ادیم، و سعد و نحس ستارگان.

## کلیدواژه‌ها:

باورهای عامیانه، خورشید، ماه، سهیل، خاقانی، شعر.

خاقانی به علوم عصر خود احاطه داشته و بهترین دلیل برای اثبات این ادعا، دیوان اشعار این شاعر است. وی اصطلاحات و تعابیر نجومی را به گونه‌ای به کار برده است که گویی این مفاهیم برای مردم زمانه او بسیار ملموس بوده‌اند. کاربرد اعتقادات نجومی و احکام آن، ایهام، تشبیهات و استعارات، ایهام تناسب و مراعات‌النظیر به غنای شعر خاقانی افزوده و آن را در ردیف پیچیده‌ترین و بدیع‌ترین اشعار زبان فارسی قرار داده است

شاعران در شعر خود برای پروراندن و گسترش مفاهیم از اصطلاحات و باورهای نجومی استفاده می‌کرده‌اند. منوچهری، انوری، نظامی، و به‌ویژه خاقانی از این علم و اصطلاحات آن بهره بسیار برده‌اند و از میان آنان، بی‌گمان خاقانی گوی سبقت را از همگان ربوده است.

خاقانی به علوم عصر خود احاطه داشته و بهترین دلیل برای اثبات این ادعا، دیوان اشعار این شاعر است. وی اصطلاحات و تعابیر نجومی را به گونه‌ای به کار برده است که گویی این مفاهیم برای مردم زمانه او بسیار ملموس بوده‌اند. کاربرد اعتقادات نجومی و احکام آن، ایهام، تشبیهات و استعارات، ایهام تناسب و مراعات‌النظیر به غنای شعر خاقانی افزوده و آن را در ردیف پیچیده‌ترین و بدیع‌ترین اشعار زبان فارسی قرار داده است. برای این که با میزان استفاده شاعر از این اصطلاحات بیشتر آشنا شویم، کافی است بدانیم که بسامد واژه‌های کلیدی نجوم در اشعار او به این قرار است: آسمان ۴۵۳ بار، خورشید ۲۵۴، چرخ ۲۱۷، ماه ۲۱۸، آفتاب ۱۸۳، فلک ۱۰۸، گردون ۶۶، مشتری ۳۶، زهره ۳۲، زحل ۲۴، بنات‌النش ۱۲ و... از مجموع ۱۷۰۰۰ بیت دیوان اشعار خاقانی ۴۱۰۴ بیت حاوی اصطلاحات و باورهای نجومی است.

### پیشینه بحث

در زمینه نجوم و اصطلاحات نجومی در دیوان خاقانی تحقیقاتی صورت گرفته است که هر کدام در نوع خود ارزشمند است اما در زمینه باورهای نجومی عامیانه در قصاید خاقانی تاکنون پژوهش مستقلی انجام نگرفته است. از جمله کتاب‌های نجومی می‌توان به کتاب ارزشمند «فرهنگ و اصطلاحات نجومی» نوشته ابوالفضل مصفی اشاره کرد. مؤلف این فرهنگ کوشیده است که اصطلاحات نجومی به کار رفته در ادبیات فارسی را تا حد ممکن گردآوری و در بعضی موارد به باورهای کهن نجومی اشاره کند. البته این کتاب به‌طور اختصاصی به اشعار خاقانی نپرداخته است.

خانم معصومه معدن‌کن هم در کتاب «نگاهی به دنیای خاقانی»، بخشی از کار خود را به اصطلاحات نجومی و مضامین آن اختصاص داده لیکن در این اثر هم هیچ اشاره‌ای به باورهای نجومی نشده است.

اثر دیگر، پایان‌نامه‌ای با عنوان «اصطلاحات نجومی در دیوان اشعار خاقانی» تألیف سعید دهقان حسامپور از دانشگاه شیراز است. در این رساله، نمونه اشعار خاقانی که به نحوی با اعتقادات و اصطلاحات نجومی ارتباط داشته‌اند، ذکر شده است.

جدیدترین کار درباره خاقانی، مقاله «باورهای عامیانه در دیوان خاقانی» نوشته رسول کردی (دوره بیست و یکم، شماره ۴، تابستان ۸۷، فصل‌نامه رشد) است. در این مقاله، نویسنده بدون تفکیک موضوعی نمونه‌هایی را از تمام باورهای عامیانه دیوان خاقانی همراه با توضیحی مختصر درباره هر باور آورده است که در مجموع یک کار کلی است.

ما در این پژوهش می‌کوشیم ضمن توضیح هر باور، تجلی و نمود آن را در اشعار خاقانی و دیگر شاعران در صورت امکان یادآور شویم. البته باید گفت بعضی از این باورها در زمان خاقانی جزء علوم زمان شاعر و بعضی جزء باورهای عوام به حساب می‌آمده‌اند. در این مقاله به بررسی این تقسیم‌بندی پرداخته نشده بلکه بیشتر به مسائلی که هم‌اکنون جزء باورداشت‌های عوام به حساب می‌آیند یا در کتاب‌های مربوط به باورهای عامیانه ذکر شده‌اند، اشاره شده است. برخی باورهای پربسامد در قصاید خاقانی به قرار زیرند:

### ۱. خورشید و چشمه آب گرم

در شعر فارسی خورشید مظهر قدرت و عظمت و کمال و زیبایی و سودبخشی است. «ملل سامی و از آن جمله اعراب معتقد بودند که آفتاب به هنگام غروب در چشمه گرمی ناپدید می‌شود و از چشمه حیوان در ظلمات، که آن را چاه ظلمات و چاه مغرب هم گفته‌اند، هر بامداد بیرون می‌آید.» (مصفی، ۱۳۸۱: ۲۵۳)

قرآن کریم نیز در موضوع رفتن ذوالقرنین به ظلمات به وجه تمثیل به این باور اشاره کرده است. خاقانی در اشاره به این باور می‌گوید:

پیش کان چشمه خور در چه ظلمات کند

نور هر چشم بدان چشمه خور باز دهید  
ویحک نه هر شبانگه در آب گرم مغرب

غسلش دهند و پوشند آن حله مزعفر<sup>۱</sup>  
به این باور در صفحات ۲۴۶ و ۴۱۹ دیوان خاقانی اشاره شده است. این باور به شکلی دیگر در شعر شاعران نفوذ کرده است و آن اینکه خورشید هر شامگاه در چاه مغرب فرود می‌رود و بامدادن از سوی دیگر آن خارج می‌شود. براساس همین باور است که جمال‌الدین اصفهانی خورشید را «تقب‌زن» لقب داده است و می‌گوید:

لرزد همی ز سهم تو خورشید نقب زن

بیمار شد ز تیغ تو مهر کله ربای  
قبل از وی نیز فخرالدین اسعد گرگانی در ویس و رامین چنین

آورده است:

تو گفستی شب به مغرب کنده بد چاه

به چاه افتاد مهر از چرخ ناگاه  
ویس و رامین / ۸۰

### ۲. خورشید و لعل

قدما بر آن بوده‌اند که از تابش خورشید و سایر عوامل جوی و زمینی، سنگ‌ها در دل معدن‌ها به لعل یا گوهرهای دیگر تبدیل می‌شوند. «باور کهنی بوده است که خورشید سنگ را لعل و عقیق می‌گرداند و باقوت نیز بر اثر تابش آفتاب به وجود می‌آید. بهترین لعل در یمن و بهترین عقیق در بدخشان بوده است.» (مصفی، ۱۳۸۱: ۲۵۳)

خاقانی در قصایدش به لعل پروری خورشید اشاره می‌کند: امید عدلش ملک را چون عقل در جان پرورد  
خورشید فضلش خلق را چون لعل در کان پرورد  
خاقانی / ۴۵۶

نور مه از خار کند سرخ گل



با بررسی باورهای  
عامیانه در قصاید  
خاقانی معلوم  
می‌شود که در شعر  
او پس از باورهای  
پزشکی، باورهای  
نجومی قرار دارند  
و شاید دلیل این  
امر هم، رواج بسیار  
نجوم و وجود  
عقاید کهن در عصر  
شاعر باشد

بعضی از ستارگان نیز تأثیر بدی در زندگی مردم می‌گذاشته‌اند و به این سبب آن‌ها را اختران نا فرخ یا شوم یا نحس می‌گفته‌اند؛ مثل زحل و مریخ.

«نحس و سعد روزها، ستارگان، ساعت و تأثیر ستاره‌ها در سرنوشت انسان از اعتقاداتی است که به وسیله دولت‌هایی مانند کلد و آشور، که می‌توان آن‌ها را مادر خرافات و جادو نامید، وارد ایران شده است.» (هدایت، ۱۳۸۵: ۲۰)

نسبت سعد و نحس دادن به ستاره‌ها مبتنی بر عقیده هندوهاست. آن‌ها زحل و مریخ و آفتاب و رأس را نحس، و مشتری و زهره را سعد می‌دانند.

بر ولی و خصمیش از برجیس و از کیوان نثار

سعد و نحسی کان دو علوی از قران افشاندند خاقانی/ ۱۱۱

به یک دم باز رست از چرخ و ننگ سعد و نحسش هم

که این تثلیث برجیس است و آن تربیع کیوانی خاقانی/ ۴۱۵

شواهد دیگر در صفحات ۱۱۵، ۸۳ و ۲۶۷ دیوان شاعر آمده است. با آنکه در شعر فارسی از سعد و نحس و مسائل مربوط به آن سخن فراوان رفته است، بسیاری از شاعران، برخی اصلاً و عده‌ای چندان اعتقادی به احکام نجوم و سعد و نحس بودن ستارگان نداشته‌اند؛ مثلاً حافظ شیرازی سعد و نحس بودن زهره و زحل را «قصه» یعنی داستان خیالی و باورهای عامیانه می‌داند:

بگیر طره مه چهره‌ای و قصه مخوان

که سعد و نحس ز تأثیر زهره و زحل است دیوان/ ۲۴

قرص خور از سنگ کند بهرمان<sup>۲</sup> خاقانی/ ۳۴۴

شواهد دیگر در صفحات ۳۹۶، ۳۸۶، ۳۵۱، ۲۳۶، ۶۰ و ۴۱۳ دیوان خاقانی آمده است.

خاقانی در حالتی عاطفی در اعتراض به نسبت دادن عقیق به خورشید می‌گوید:

دروغ این است که گویند اینکه در سنگ

فروغ خور عقیق اندر یمن ساخت

دل او هست سنگین پس چه معنی

که عشق او عقیق از اشک من ساخت

این باور سابقه‌های دیرین در شعر فارسی داشته است:

سال‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب

لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن

سنگی به چند سال شود لعل پاره‌ای

زنهار تا به یک نفسش نشکنی به سنگ

گویند سنگ لعل شود در مقام صبر

آری شود و لیک به خون جگر شود حافظ/ ۲۵۰

### ۳. رعد و ابریشم

قدما تصور می‌کردند که رعد و برق، کرم ابریشم را هلاک می‌کند.

کرم قز<sup>۴</sup> میرد ز بانگ رعد و تنین فلک

میرد از کوسش، که آوا بر نتابد بیش از این خاقانی/ ۳۳۸

### ۴. ستاره زهره

در نجوم قدیم، زهره را سعد اصغر می‌گفتند که دلالت بر تأیید و خنثی بودن و حسن وجه و شادی داشت. «در باورهای عامیانه ستاره زهره زنی فاحشه بود که نزد هاروت و ماروت سحر آموخته و به قوه سحر و جادو به آسمان بال رفته و در آنجا خداوند او را به صورت زهره مسخ کرده است.» (هدایت، ۱۳۸۵: ۱۴۰)

ابوالفضل مصفی همراهی زهره با هاروت را بر مبنای یکی بودن یا یک جایی بودن این دو می‌داند و می‌گوید این باور وجود داشته است که در زمان خلافت هارون در زمین بابل زهره نام زنی نیکو جمال بود و به واسطه تعلیم هاروت به آسمان صعود کرد.»

(مصفی، ۱۳۸۱: ۸۳۱)

یا رب این کوس چه هاروت فن و زهره نواست

که ز یک پرده صد الحانش به عمدا شنوند خاقانی/ ۱۰۱

قبولش ز هاروت ناهید سازد

کمالش ز بابل خراسان نماید خاقانی/ ۱۳۰

### ۵. سعد و نحس

یکی از مشهورترین موضوعات نجوم بحث سعد و نحس بودن ستارگان و سیارگان است. مردم بر این باور بوده‌اند که بعضی ستارگان تأثیر خوبی بر زندگی آن‌ها دارند و به همین دلیل، آن‌ها را اختران فرخ یا سعد می‌گفته‌اند؛ مثل زهره و مشتری.

#### پی‌نوشت

۱. مزعفر: زعفرانی، به زعفران رنگ کرده

۲. بهرمان: یاقوت سرخ گران‌مایه

۳. مضغه: پاره گوشت

۴. قز: ابریشم

۵. ادیم: چرم، پوست دباغی شده